

فنده های آفر سالی

رفتیم عید دیدنی همه پسته ها در بسته بود یهو فامیلمون از جیب کتش یه چکش در آورد نشست کف زمین همه رو شکوند بزرگوار همیشه مدیریت بحرانش زبان زد بودا

– اختلاف طبقاتی یعنی این که
– دوستم ازم پرسید چقدر عیدی گرفتی؟
– با افتخار گفتم ۷۰ تومن.
– خندید و گفت: امروز رو نگفتم کلاً چقدر گرفتی؟

این روزها جمله ای وحشتناک تر از دارن میان نشنیدم!

فرمول عیدی اینه که طرف هر چقدر خانواده‌ی مقابل به بچه هاش عیدی دادن رو جمع میزنه تقسیم بر تعداد بچه های طرف مقابل میکنه بهشون برمی گردونه!

قابل توجه آقایان متاهل نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عید می آید و اجناس گران خواهد شد! همسرت چند ورق لیست به تو خواهد داد کل اعضای وجودت نگران خواهد شد میزنی ساز مخالف دو سه روزی اما عاقبت هر چه که او گفت همان خواهد شد پول را با علف خرس یکی می دانند! فکر کردید که منطبق سرشان خواهد شد؟ کل عیدی و حقوقت به شبی خواهد رفت بر سر جیب بغل فاتحه خوان باید شد

روزهای آخر سال است همین حالا باشو با هر کی قهری بهش زنگ بزنی و بد اخمی کن که یادش باشه که هنوز باهش قهری عید پا نشه بیاد خونتون عید دیدنی!

توصیه‌هایی برای عید نوروز:
امسال با ورود هر مهمان به خونه با استفاده از کلمات چقدر جفاقت شدی هیکلکت به هم ریخته حیفا اون هیکلکت چیکار کردی با خودت و از قبیل اینا صرفه جویی کنیدا ستاد حفاظت از آجیل و شیرینی عید

با عرض درود و وقت بخیر عزیزان روزهای ۱۴ و ۱۵ نخستین ماه سال رو تصور کنید!

اولین هفت سین سفرهٔ امسال :
سایهٔ آقامونه
دومین سین :سلامتی آقامونه
سومیش : سانتاقلهٔ آقامونه
چهارمیش: سود سپردهٔ بانکی آقامونه
پنجمیش: سفر خارج از کشور با آقامونه
ششمیش : سرمایه آقامونه
هفتمیش : سرقلی مغازهٔ آقامونه!

توجه ... توجه آجیل هایی در شب عید در سطح کشور به فروش می رسد که علاوه بر خوش رنگ و لعاب بودن و داشتن قیمت مناسب، آلوده به نوعی سم گیاهی است که با مصرف آن دچار نوعی بیماری پوستی مشابه سوختگی می شوید که طول دوره درمان آن شش ماه تا یکسال است ، ولی علائم کمی از آن تا پایان عمر با شما باقی خواهد ماند. پس لطفاً اگر خونه ما اومدید آجیل نخورید .. از همیناست که گفتم!

یک لحظه غفلت:
موجب یک عمر بشیمانی ست. تو این چند روز حواستون کاملا جمع باشه و حتی المقدور از خونتون دور نشین چون هر لحظه امکان داره لباساتون تبدیل به دستمال گردگیری بشه!

پارسال که سال اسب بود دعا کردیم شاهزادهٔ رویاهامون سوار بر اسبش میاد ولی نیمود امسال که سال گوسفند بود دعا کردیم نیمه گمشدمون با گوسفنداش از راه برسه که نشد موندم امسال که سال میمونه چه آرزویی باید بکنیم. امیدوارم این مطلب حداقل به لبخند کوچولو رو لبتون آورده باشه. پیشاپیش عید همتون مبارک!

حالا که پیاز گرون شده عید جلوی مهمانوتون پیاز بذارین فاز دارره!
امیدوارم نخستین سین امسالتون سینی ای باشه که توش چایی میاری واسه خواستگارت!

سوپری محلمون پوست پسته میفروشه کیلویی ۱۰۰۰۰ هزار تومن ازش پرسیدم پوست پسته چه صیغه ای دیگه؟
میگه: یکی این که قاطی پسته ها کنی بزاری جلو مهمون که زیاد نشون بده دوم این که بزاری جلو در خونه قاطی آشغالا که مردم فکر کنن پسته خوردین!

تاریخ تمام شدن آذوقه آجیل عید، بادام هندی ۱ فروردین پسته ۲ فروردین، بادام ۴ فروردین، فندق ۵ فروردین، تخم کدو ۱۱ فروردین، تخمه زائنی ۱۳ فروردین نخودچی ۲۸ آبان!

نمیدونم چه حکمتیه وقتی عیدی میخوای میگی دیگه بزرگ شدی ولی وقتی زن میخوای میگی هنوزدهنت بو شیر میده!

بررسی اشعار ایرج میرزا در گفتگو با شهریار شاهین دژی



سطحی گره خورده است؛ به نظر شما آیا این مسئله به شعر ایرج میرزا ضربه زده، یا بالعکس موجب دیده‌شدن و خاص بودن شعر او شده است؟

کاملاً یک خصوصیت ضد و نقیض شعر ایرج همین است. به نوعی شعر او را خواندنی کرده، ولی همین مسئله که دیوان او را خواندنی کرده، دیوان را از دسترس عموم خارج کرده است و الان شاهد هستیم که دیوان ایرج میرزا چاپ نمی‌شود.

عماد خراسانی در شعری که درباره ایرج سروده می‌گوید: "بس که آسان و روان حرف زنی / خام‌طبعان به طمع می‌فکنی"

یعنی این قدر شعر را روان می‌گوید، که همه فکر می‌کنند آن‌ها هم می‌توانند و این ایرادی است که به نوعی می‌توان به شعر ایرج وارد کرد، که این حجم از کلمات هزل که در شعرش بوده خیلی مناسب دیوان شعر نیست. شاید اگر خودش شعرها را جمع‌آوری، ترتیب‌بندی و تقسیم‌بندی می‌کرد، شاید این شعرها را نمی‌آورد.

چون مرحوم «سعید نفیسی» و خیلی از بزرگان که محضر ایرج میرزا را درک کرده بودند، همه اذعان دارند که ایرج میرزا در حالت صحبت‌های روزمره و گفت‌وگوهای خودمانی، به شدت متین و مودب بود و لغات را شمرده بیان می‌کرد. در محافل جمعی شعرهای هزل خود را نمی‌خواند و از دیگران هم خواهش می‌کرد که این کار را نکنند. بنابراین می‌بینیم که این سکوت، وقار و متانت با آن هزل‌ها در شخصیت ایرج یک پارادوکس ایجاد می‌کند.

چرا فقط به دنبال هجویات ایرج برویم؟ ایرج اشعار اخلاقی، عاشقانه، اجتماعی، انتقادی و ... هم دارد، چرا به سراغ آن‌ها نرویم؟

البته از قدیم گفته‌اند «الانسان حریص علی ما منع»؛ شاید ایرج به این مسئله خوب واقف بوده، از همین اصل استفاده کرده و باعث شده

به گزارش ایبنا هرکسی که از پیاده‌روهای خیابان انقلاب عبور می‌کند، قطعاً در بساط دستفروشی‌ها یک کتاب زردرنگ که روی آن تصویر ایرج میرزاست را دیده است. کتابی که جزو کتاب‌های ممنوعه به صورت قاچاق به فروش می‌رسد و شاید بسیاری از مخاطبان کمتر جدی شعر ندانند این دیوان شاعری است که او را سعدی زمان می‌خوانند!

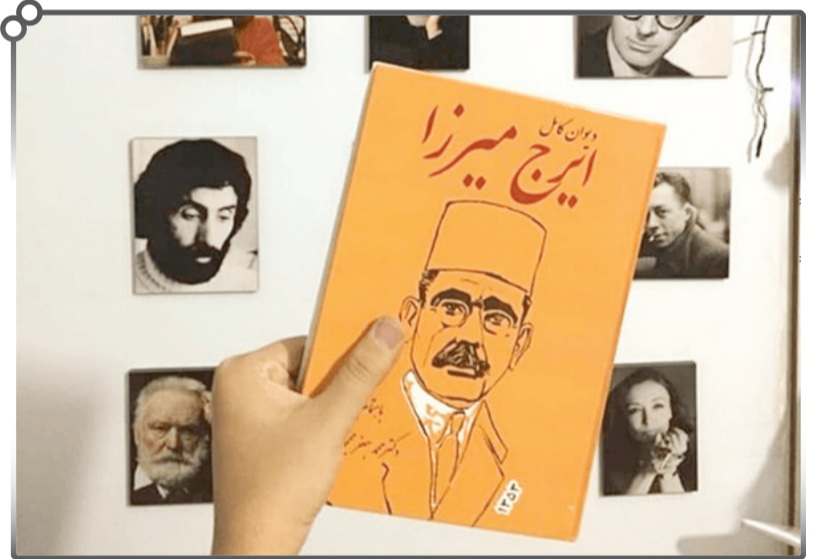
به سراغ شهریار شاهین دژی رفتیم و با این پژوهشگر، نویسنده و استاد ادبیات فارسی که کتابی هم درباره زندگی و آثار ایرج میرزا به نام «نام‌آور ناشناخته» نوشته است، گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

*از ایرج میرزا به عنوان بزرگترین شاعر طنز و هجو سرای مشروطه یاد می‌شود و هم در شعر ملک‌الشعرا بهار و هم در نقل قولی از مظاهر مصفا، ایرج میرزا سعدی زمان نامیده شده است؛ به نظر شما دلیل این نام‌گذاری و قیاس چیست؟

این سعدی زمان بودن، نظر استاد شفیهی‌کدکنی هم هست و او هم ایرج میرزا را سعدی زمان می‌داند.

بیشترین مسئله‌ای که ما از سعدی در ذهن داریم و او را با آن ویژگی می‌شناسیم، بحث روان‌گویی و سهل‌متنع بودن شعر او است.

از این دیدگاه می‌شود گفت کمتر کسی توانایی رقابت با ایرج میرزا را در میان معاصرها دارد. به نوعی خود ایرج میرزا هم به این مسئله



*مسئله دیگری که در شعر ایرج میرزا مورد بحث است، این است که شعر طنز ایرج میرزا خیلی با مسائل به ظاهر

که خیلی‌ها اشعار او را از بر داشته باشند. از این لحاظ واقعا شاعر توفیق‌مندی است که شعرش در حافظه‌ها آمده است.

نترخ عکر

«بیرانوند: بابا آقای برانکو گفت اگر خسته ای نیم ساعتی بخواب من چه کارکنم!»



برگزیدگان پنجمین جشنواره شعر طنز نوشند



آئین اختتامیه پنجمین دوره جشنواره «شعر طنز نوشند» با معرفی برگزیدگان در بخش‌های مختلف، در ایلام برگزار شد.

به گزارش شیرین طنز به نقل از ایبنا در ایلام، اختتامیه پنجمین جشنواره شعر طنز نوشند با حضور جمعی از شاعران، هنرمندان، مسئولان استانی و علاقه‌مندان به شعر در سالن آملی‌تئاتر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ایلام برگزار شد.

در ابتدا، عمران خودآموز، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام ضمن خیر مقدم به مهمانان حاضر در مراسم، گفت: خوشبختانه جشنواره شعر «نوشند» با تلاش و جدیت شورای شعر و ادب استان و استقبال علاقه‌مندان به شعر به پنجمین دوره خود رسید و الحمدلله هر سال شاهد رشد کمی و کیفی آثار رسیده به دبیرخانه این جشنواره هستیم.

در ادامه، برگزیدگان این جشنواره در دو بخش کردی و فارسی به شعر خوانی پرداختند و سپس ظاهر سارایی از شاعران مطرح ایلام به عنوان مهمان ویژه چند شعر را به حضار تقدیم و احمد ولی‌بیگی خواننده ایلامی نیز قطعه موسیقی کردی «شیرین» را اجرا کرد.

آکو حسین پور دبیر اجرایی جشنواره در گفت‌وگوی کوتاهی با ایبنا گفت: در مجموع ۴۰ اثر از شاعران طنزپرداز استان به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که داوران در بخش کردی سه نفر را برگزیده و دو نفر را شایسته تقدیر، و در بخش فارسی هم چهار نفر را شایسته تقدیر دانستند.

وی با بیان اینکه زبان کردی در ایلام جایگاه رفیعی دارد، گفت: خوشبختانه در بخش کردی شاهد آثار فاضری بودیم که المان‌های شعر طنز را به خوبی رعایت کرده بودند.

فرهاد شاهمرادیان از داوران این جشنواره نیز ضمن شعر خوانی، بیانیه هیئت داوران جشنواره را قرائت کرد که در آن به ضرورت برگزاری کارگاه‌های تخصصی شعر طنز جهت ارتقا سطح کیفی جشنواره در سال‌های آتی اشاره شده بود.

وی برگزیدگان جشنواره را به شرح ذیل اعلام کرد:

بخش کردی: ابراهیم هدایتیان، احمد شاه مرادیان، امید ظاهری، سمیه مهری، زیبا یوسفی
بخش فارسی: یوسا صداقت، مهرشاد شیخ محمدی، یلدا نیکوسرشت، سمیه رستم پور
پایان بخش این مراسم اهدای جوایز به برگزیدگان جشنواره بود.

کاریکلماتور

- « ابوالقاسم صلح جو
- برای لحظهٔ دیدار، به جمع آوری چشم پرداخته ام!
- * - آدم معناد، چوب رفاقت اش را می خورد!
- * - تا جواب سوالم را از چشمت گرفتم، رسید دادم با چشمک!
- * - "تار" های صوتی ام را، در سکوت کوی می کنم!
- * - "کچل" ام کرد تا به "اصلاح" تن دادم!
- * - چون عبار خنده اش بالا بود، چشمش به اشک نشست!
- * - عمر نگاهم، در "بند" چشمت گذشت!
- * - تا نگاهم به آب "افتاد"، نجات غریق زیر آبی رفت!
- * - فقط به آدم لوچ، نگاه "چپ" می کنم!
- * - "تازیر بغل اش زدم"، "شانه" اش افتاد!
- * - چون درشادی "غرق" شده بود، بجای ختم برایش مجلس جشن گرفتند!
- * - تا دراز می کشم، خواب درچشمان ام "می نشیند"!
- * - سرعت نگاهم، چشم راست ام را "چپ" کرد!
- * - نگاه گرمی داشت، "داغ" دیده بود!

آگهی دعوت از بستانکاران

شرکت تعاونی مرکز مدیریت و توسعه ایران
در حال تصفیه
ثبت شده به شماره ۹۶۵۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۱۳۸۵۹۰۷ در اجرای مفاد ۲۱۵ قانون تجارت، بدینوسیله از کلیه بستانکاران اعم از حقیقی و حقوقی که ادعایی نسبت به این شرکت دارند دعوت می‌شود ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ درج اولین آگهی یا در دست داشتن اسناد و مدارک خود به نشانی: تهران - بلوار اندرزگو - سلیبی شمالی - پلاک ۱۳۲ مراجعه نمایند.
بدیهی است پس از اتمام مهلت قانونی ادعایی پذیرفته نمی‌شود.
حسن رضانیانپور- مدیر تصفیه